

منشأ نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد
ترکیه با نگاهی تطبیقی به آثار ایران
و سوریه



کاسه زبرلعابی، رقه، اوایل قرن ۷
هجری، محل نگهداری: مجموعه
دیوید، مأخذ:
www.davidmus.dk



منشأ نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد ترکیه با نگاهی تطبیقی به آثار ایران و سوریه

ابوالفضل عرب‌بیگی * عباس اکبری **

تاریخ دریافت مقاله : ۹۴/۲/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله : ۹۴/۱۲/۱۰



چکیده

یکی از خصیصه‌های مهم هنر اسلامی وجود تشابهات فنی و تجسمی است که میان سفال مناطق مختلف جهان اسلام به‌ویژه سفال نوع سلجوقی وجود دارد. این مسئله بیش از همه در حوزه جغرافیایی ایران، سوریه و ترکیه مشاهده می‌شود. از جمله مواردی که در بررسی‌های هنر اسلامی همواره مورد توجه واقع شده تعیین خاستگاه این تشابهات است. پژوهش حاضر با در نظر داشتن این مسئله و با هدف واکاوی سمت و سوی انتقال سنت‌ها در سفال قرون ۶ و ۷ هجری بر آن است که منشأ نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد ترکیه را به‌عنوان یکی از مصادیق این تشابهات بررسی کند. دلیل تشابهات موجود در سفالینه‌های سده‌های ۶ و ۷ هجری ایران، سوریه و ترکیه (قبادآباد) چیست؟ کدامیک از این مناطق به‌عنوان خاستگاه اولیه این تشابهات مطرح است؟ این مقاله با گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ایران منشأ بسیاری از تأثیرات وارد بر نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد است. مصر نیز سهم ناچیزی را به خود اختصاص می‌دهد. بخشی از این تأثیرات به‌صورت غیرمستقیم و به‌واسطه سوریه و بخشی دیگر به‌صورت مستقیم و از طریق تجارت، مهاجرت و جنگ‌ها به آناتولی وارد شده‌اند. البته دامنه این تشابهات فراتر از آثار سفالی است و دیگر شکل‌های هنری را نیز تحت تأثیر قرار داده است. همچنین معماری، ادبیات و حتی شیوه زمامداری حکومت در سایه این اثرگذاری قرار می‌گیرد که بر اساس آن می‌توان نتیجه گرفت ایران فارغ از تأثیرات هنری، خاستگاه گستره‌ای از تشابهات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در آناتولی دوران سلاجقه روم است.

واژگان کلیدی

نقوش، کاشی، کاخ قبادآباد، سلجوقی، آناتولی.

* مربی، دانشکده معماری و هنر، گروه صنایع دستی، دانشگاه کاشان، شهر کاشان، استان اصفهان. (مسئول مکاتبات)
Email: abolfazl.arabbeigi@gmail.com

** استادیار، دانشکده معماری و هنر، گروه صنایع دستی، دانشگاه کاشان، شهر کاشان، استان اصفهان
Email: abbas_a_uk@yahoo.com

مقدمه

نقوش مورد تحلیل قرار گرفته و جدولی از مصادیق تشابهات ارائه گردیده است. در ادامه، سمت و سوی انتقال سنت‌ها با بررسی تأثیر سفال ایران و مصر بر سوریه و نیز اشاره به اهمیت سوریه به‌عنوان واسطه هنری ایران، مصر و آناتولی، مورد بررسی قرار گرفته و در پی آن تأثیرگذاری ایران بر سفال سوریه و آناتولی مشخص شده است. سرانجام، عوامل تجارت، مهاجرت و جنگ‌ها، به‌عنوان مهمترین دلایل ایجاد تشابهات مورد تحلیل قرار گرفته است.

روش تحقیق

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است. چارچوب نظری تحقیق تا حد امکان از منابع معتبر و دست اول استخراج شد که بر اساس آن، معیارهایی برای ارزیابی منشأ نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد به دست آمد. در گام بعدی، نمونه‌های مورد مطالعه جهت یافتن وجوه اشتراک از کتب مختلف و سایت‌های اینترنتی جمع‌آوری و سپس نمونه‌های مشابه در جدولی دسته‌بندی گردید. سرانجام منشأ تشابهات از طریق بررسی تطبیقی نقوش و تکیه بر چارچوب نظری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، می‌توان گفت تاکنون تحقیق جامعی درباره کاشی‌های این کاخ انجام نشده و در محدود منابع موجود تنها به معرفی و توصیف کلی آنها از نظر ساختاری اکتفا شده است. فقط در چند کتاب از جمله کاشی‌های اسلامی ونشیا پورتر^۱، هنر ترکی مهمت اوزل^۲ و زرین‌فام سویم چیز^۳ علاوه بر موارد یادشده به شباهت‌های فنی و تزئینی این آثار با سفالینه‌های ایران و سوریه اشاره شده است. در واقع باید گفت هیچ‌یک از این منابع، پرسش تحقیق حاضر مبتنی بر منشأ نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد و سمت و سوی انتقال سنت‌ها را مدنظر قرار نداده‌اند.

کاخ قبادآباد، جغرافیا و تاریخ

کاخ قبادآباد به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین مجتمع‌های کاخ ترکی «در ساحل غربی دریاچه بیشه‌پیر^۴ (بای شهر)، در مرکز شهر قبادآباد و در جنوب غربی قونیه واقع شده است و امروزه از آن تنها بقایای چند دیوار روی یک تپه دیده می‌شود» (Unsal, 19970: 58)؛ تصویر ۱). بر اساس بررسی‌های به عمل آمده «این کاخ شامل بخش‌های مختلفی از جمله اتاق سلطنتی، تالار اجتماع و نیز تالار ضیافت بوده است که ابن بی بی مورخ آنرا به‌عنوان مکانی که موسیقی نواخته می‌شد و شراب نوشیده می‌شد توصیف می‌کند» (Porter, 1995: 58).

اما آنچه در این بررسی درباره شرایط جغرافیایی کاخ قبادآباد مدنظر است ذکر موقعیت جغرافیایی صرف نیست،

سلجوقیان پس از تشکیل حکومت در ایران و در ادامه پیشروی‌های خود به سمت غرب، علاوه بر عراق، جزیره و شام، آناتولی را نیز متصرف شدند. نفوذ ترکان سلجوقی در آسیای صغیر از نبرد منازکرت (۴۶۴ ق) آغاز می‌شود. از همان زمان است که آنها به مستعمره‌های تحت سیطره بیزانس در آناتولی حمله آوردند و پس از شکست دادن رومیان در منازکرت، در مدت کوتاهی قسمت زیادی از آسیای صغیر را از تصرف دولت بیزانس خارج کردند و حکومت سلاجقه روم را تشکیل دادند که پایتختش در قونیه بود. پس از حملات مغول و شکست غیاث‌الدین کیخسرو دوم در سال ۶۴۰ هجری سلاجقه روم علیرغم آنکه دست‌نشانده حاکمان مغول بودند ولی تا اواخر قرن هفتم در صحنه سیاسی باقی ماندند.

نیمه اول قرن هفتم هجری چه از لحاظ فکری و چه از لحاظ اقتصادی، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های حیات سلاجقه روم است. در این دوران زمینه‌های مناسب برای رشد و اعتلای فعالیت‌های فرهنگی و هنری فراهم آمد و طی آن مجموعه‌ای وسیع از فعالیت‌های بزرگ معماری، شامل مسجد، مدرسه کاروانسرا و کاخ در سرتاسر آناتولی مرکزی و شرقی صورت گرفت.

تزیین بناها با انواع کاشی از جمله پدیده‌هایی است که در معماری این دوران آناتولی رواج می‌یابد و پس از استیلای مغولان نیز همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. از اوایل قرن ۷ هجری، بخش بزرگی از بناهای مذهبی نظیر مناره‌ها و مقبره‌ها با کاشی تزیین یافته است. کاخ‌ها نیز اگرچه امروزه به خرابه‌هایی تبدیل شده‌اند اما شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد در تزیین این بناها نیز از کاشی استفاده شده است.

غنی‌ترین و جذاب‌ترین این کاشی‌ها از کاخ قبادآباد (مربوط به دوران علاء‌الدین کیقباد اول^۲) در حوالی قونیه به دست آمده است که بیشتر آنها هم اکنون در موزه کاراتای در قونیه^۳ نگهداری می‌شود. این آثار به طور عمده به شکل ستاره و چلیپا هستند که با شیوه زیرلعابی و زرین‌فام در تنوعی از نقوش انسانی، جانوری و گیاهی تزیین یافته‌اند. از ویژگی‌های بارز این کاشی‌ها تشابهاتی است که به راحتی می‌توان نمونه‌های آن را در آثار مقارن، متقدم و متأخرتر، در ایران، سوریه و مصر یافت.

این نوشتار با هدف یافتن خاستگاه این تشابهات صد پاسبخویی به این سؤالات است: ۱. دلیل تشابهات موجود در سفالینه‌های سده‌های ۶ و ۷ هجری ایران، سوریه و ترکیه (قبادآباد) چیست؟ ۲. کدامیک از این مناطق به‌عنوان خاستگاه اولیه این تشابهات مطرح است؟ بر این اساس، پس از بررسی جغرافیا و تاریخ کاخ قبادآباد و ذکر اهمیت آن در این مطالعه، به توصیف و طبقه‌بندی نقوش کاشی‌ها و شیوه نقش‌پردازی آنها پرداخته شده است. پس از این رهگذر، مصادیق مشابه در ایران و سوریه از طریق مقایسه و تطبیق

1. kubad Abad

۲. علاء‌الدین الدین کیقباد اول (۶۳۴-۶۱۶ ق) به زعم بسیاری بزرگ‌ترین پادشاه سلجوقی روم است. دوران حکومت هفده‌ساله وی اوج دوره سلاجقه روم از نظر سیاست، اقتصاد و عمران و آبادی به شمار می‌رود (مشکور، ۱۳۵۰: نود و شش).

3.Konya's karatay museum

4. Venetia Porter

5. Mehmet Ozel

6. Sevim Cizer

7. Beysehir



از نظر شکل، نقش و فن دارای تنوع بالایی است. گل مورد استفاده در همه آنها خمیر سنگی^۲ است و همگی با شیوه زیرلعابی و زرین فام تزئین شده‌اند. بیشتر کاشی‌ها به شکل ستاره و چلیپا و بخش کمتری به شکل مربع هستند.

آن گونه که از قرائن و شواهد برمی‌آید این کاشی‌ها در همان محل ساخته شده است (Porter, 1995: 58). کاشی‌هایی مشابه با نمونه‌های قبادآباد در کاخ‌های آنتالیا، آلانیا، قیصریه و آکشهر کشف شده‌اند. «به جز اختلافات برخاسته از تفاوت تاریخ‌ها، سبک کاشی‌ها به‌طور قابل توجه یکسان است. این مسئله نشان می‌دهد که انواع کاشی‌ها و سبک‌ها در یک یا دو مرکز اصلی تولید شده‌اند. قونیه مهم‌ترین مرکز تولید کاشی در آناتولی آن دوران بود، جایی که زیباترین نمونه‌ها از همه انواع کاشی‌های سلجوقی به دست آمده است» (Ozel, 1986: 81). بنابراین می‌توان قونیه و به عبارتی قبادآباد را به‌عنوان محل تولید کاشی‌ها در نظر گرفت. البته با توجه به تفاوت در نوع شکل و فنون به‌کاررفته و نیز شیوه اجرای نقوش این احتمال وجود دارد که آثار در کارگاه‌های متفاوتی تولید شده باشند. از طرف دیگر «این آثار بدون امضاست و سازنده و تاریخ ساخت شان به‌درستی مشخص نیست» (DeGeorge and Porter, 2002: 182).

با این فرض که کاشی‌ها هنگام ساخت کاخ به بنا اضافه شده‌اند، می‌توان تاریخی حدود ۶۲۸-۶۲۳ هجری برای آنها قائل شد.

اجرای نقوش و ترکیب‌بندی دارای اختلافی مشهود است به‌طوری که می‌توان آثار را به دو دسته کلی تقسیم کرد: یک مجموعه با ویژگی پس‌زمینه خلوت و گاه بدون نقش، نقوش اغلب بدون رنگ (صرفاً طراحی) و طراحی بی‌دقت و بدون تناسب (تصویری) و مجموعه‌ای دیگر با پس‌زمینه شلوغ‌تر (به‌صورت نقوش گیاهی با ساقه‌های نازک و طوماری شکل، نقوش گیاهی درشت نقش و تزئینات نقطه‌نقطه)، نقوش رنگی (با رنگ‌های آبی لاجورد، بنفش، مشکی و فیروزه‌ای) و طراحی فنی‌تر (تصویری).

شیوه نقش‌پردازی و شمایل‌نگاری دارای سبکی ساده و عاری از جزئیات است؛ پیکره‌ها به دور از واقع‌گرایی و به‌شیوه تجریدی و تا حدی نامتعارف ترسیم شده‌اند، با این حال مبانی کلی سبک سلجوقی در آنها وجود دارد.

نقشمایه‌ها و موضوعات تصویرشده از تنوع بسیار بالایی برخوردار است. گستره وسیعی از نقشمایه‌های سرزنده و با روح بر روی این کاشی‌ها خودنمایی می‌کنند ولی باید گفت شکل‌های انسانی و حیوانی در آنها مسلط است. در نقوش انسانی بیشترین تأکید بر نقوش درباری است: سلطان، زنان حرم، درباریان و خدمتکاران. برخلاف سنت سلجوقی، پیکره‌ها در ترکیب‌های چندان بفرنج قرار نمی‌گیرند.

نقوش جانوری در تنوعی از ترکیب‌های هنرمندانه،



تصویر ۱. خرابه‌های کاخ قبادآباد در ساحل دریاچه بیشهیر در جنوب غربی قونیه، مأخذ: www.staticflickr.com

بلکه اهمیت این مکان در جغرافیای تجارت، مهاجرت و جنگ‌ها نیز مدنظر است، چرا که به‌نوعی بر آثار این کاخ تأثیرگذار بوده است. بر این اساس، باید گفت نزدیکی این مکان به قونیه، به‌عنوان پایتخت دولت سلجوقی روم و یکی از مراکز مهم اقتصادی، نقش بسزایی در تأثیرپذیری از فرهنگ‌های دور و نزدیک داشته است. «موقعیت جغرافیایی ویژه آناتولی که به‌مانند پلی شرق را به غرب متصل می‌کند باعث شده تا عمده‌ترین راه‌ها از قدیمی‌ترین زمان‌ها برای رسیدن به سواحل غربی از این سرزمین عبور کند.» (گودرزی نژاد، ۱۳۴۵: ۴۷) برخی از این مهم‌ترین مسیرها از قونیه عبور می‌کرده است، از جمله شاخه‌ای از جاده ابریشم که پس از گذر از ایران و شهرهای شرقی آناتولی به قونیه می‌رسیده است. از این رو این شهر همواره مسیر اصلی تهاجم مهاجرت و تجارت بوده است و قبادآباد نیز که فاصله چندانی تا قونیه ندارد اثرات این پدیده‌ها را به‌خوبی لمس کرده است.

توجه به تاریخ و بازه زمانی ساخت کاخ از اهمیت دوچندان برخوردار است و عدم توجه به آن هنگام مقایسه آثار مورد نظر با مصادیق مشابه منجر به نتایج متضاد خواهد گردید. بیشتر محققان بر این عقیده‌اند که بنای کاخ بین سال‌های ۶۲۳ تا ۶۲۲ هجری و در زمان حکمرانی علاءالدین کیقباد اول (۶۳۴-۶۱۶ ق) انجام گرفته است. در تاریخ ابن بی‌بی شرح ساخت این کاخ ذیل بخشی تحت عنوان «ذکر نزهت قبادآباد و انشای عمارت فرمودن سلطان در آن موضع» آمده است (ابن بی‌بی، ۱۳۹۰: ۳۲۲ و ۳۲۳) که بر اساس مطالب بخش‌های دیگر می‌توان تاریخی حدود ۶۲۸ هجری برای اتمام آن قائل شد. این تاریخ می‌بایست جهت نتیجه‌گیری صحیح در هنگام قیاس کاشی‌های کاخ قبادآباد با آثار ایرانی و سوری مدنظر قرار گیرد.

کاشی‌های کاخ قبادآباد

آثاری که در این نوشتار از کاشی‌های کاخ قبادآباد مورد بررسی قرار گرفته همگی متعلق به موزه کاراتای در قونیه است که کامل‌ترین مجموعه از این لحاظ است. این نمونه‌ها

۱. قسمتی از توصیف ساخت این کاخ بدین‌گونه است: «چون سلطان... به متنزهات اکریناس رسید، موضعی دید که اگر رضوان بدانجا دیدی مفارقت آن در خیال نیاوردی... به سعدالدین کوبک، که در آن زمان امیرشکار و معمار بود، فرمود که آنجا عمارتی آغاز کند... سعدالدین کوبک منظره‌های زیبا و غدیرهای دلگشای - که مقوس طاق آن با مقرنس چرخ برین برابری نمودی و از رشک فرح الوان دیوارهای ملون آن در کاشی‌خانه قوس و قزح تغیر در تلون ظاهر شدی... - در اندک مدتی امر نافذ به اتمام رسانیدی...» (ابن بی‌بی، ۱۳۹۰: ۳۲۲ و ۳۲۳).

۲. «خمیر سنگی» یا «خمیر شیشه» که در صنعت سرامیک به بدنه‌های فریتی نیز معروف است. این بدنه از دوران سلجوقی به تقلید از سرامیک‌های وارداتی از چین رواج یافت و از این روی به «بدل چینی» نیز مشهور است (نک. گروه، ۱۳۸۴: ۱۲۹).



تصویر ۴ ب. کاشی زیرلعابی،
کاخ قبادآباد ترکیه، اوایل قرن
۷ هجری، محل نگهداری: موزه
کاراتای قونیه، مأخذ:
www.pbsa.com



تصویر ۴ الف. کاشی زرین‌فام،
ری، اواخر قرن ۶ هجری، محل
نگهداری: موزه متروپلیتن، مأخذ:
www.metmus.com



تصویر ۳. بخشی از کاشی‌های
کاخ قبادآباد ترکیه، محل نگهداری:
موزه کاراتای قونیه، مأخذ: همان



تصویر ۲. بخشی از کاشی‌های
کاخ قبادآباد ترکیه، محل نگهداری:
موزه کاراتای قونیه، مأخذ:
www.pbsa.com

قرن ۶ هجری، آثار مینایی و زرین‌فام منتسب به ری اواخر
قرن ۶ و اوایل قرن ۷، آثار زرین‌فام و زیرلعابی منتسب به
کاشان نیمه اول قرن ۷ و کاشی‌های زرین‌فام کاشان با تاریخ
۶۷۰-۶۵۰ هجری.

پس از بررسی تطبیقی نقوش قبادآباد و ایران موارد
مشابهی به دست آمد که بخشی از آن در جدول ۱ نشان
داده شده است. طبق این مقایسه، نوع نقوش در هر دو منطقه
کاملاً یکسان است. تنها شکل ساختاری نقشمایه هاست که
به خاطر پیروی از مبانی هر سبک تفاوت‌هایی در آن ایجاد
شده است. در شیوه نقش‌پردازی و ترکیب‌بندی نقوش نیز
می‌توان قرابت‌هایی مشاهده کرد، از جمله در سبک‌های
تزیینی پس‌زمینه که در هر دو منطقه با طرح‌های گیاهی
درشت نقش (به‌سبک زرین‌فام‌های درشت‌نقش ری) پر
شده‌اند (تصویر ۴ الف و ب).

مبانی طراحی نقوش و نحوه رنگ‌گذاری در موارد زیادی
و به خصوص در جزئیات یکسان است. این مهم بیش از همه
در نقوش زرین‌فام مشهود است: چشمان کشیده، خال دو
سوی لب، کلاه و سربندها که آثار زرین‌فام کاشان را به یاد
می‌آورد. در موارد دیگر نیز تزیینات لباس به یکدیگر شبیه
است، جایی که نقش دایره به شکل خال‌خال و یا نقش راه‌راه
بر روی لباس‌های هر دو منطقه دیده می‌شود (تصویر ۵
الف و ب). در نقوش جانوری، این تشابه جزئیات بیشتر در
تزیینات بدن و نوک بال جانوران ترکیبی خودنمایی می‌کند،
به ویژه در تزیینات بدن به‌صورت خال‌های رنگی و ترسیم
بال‌ها به‌صورت اسلیمی سربرگشته (تصویر ۶ الف و ب).

در مجموع و بر اساس بررسی جدول ۱ می‌توان گفت
نقوشی که از ایران با قبادآباد تشابه دارند به‌طور عمده
متعلق به آثاری با تاریخ مقارن و یا پیش از تاریخ ساخت
کاخ قبادآباد یعنی حدود ۶۳۰ ق هستند که این تأثیرگذاری
هنر سلجوقی ایران را بر این آثار نشان می‌دهد. البته نقوش
مربوط به پس از این تاریخ به همین اندازه حائز اهمیت است،
از جمله کاشی‌های تاریخداری ایلخانی (۶۷۰-۶۵۰ ق)؛ چرا که
قدرت طراحی و اجرای فوق‌العاده‌شان حاکی از آن است که

پرنندگان مختلف از قبیل عقاب (در حال شکار خرگوش یا
مرغابی)، طاووس، پرنده شاخدار (جغد یا عقاب)، پرنندگان
آبزی (لکک، مرغابی) و نیز حیوانات در حال حرکت مانند
خرگوش، گرگ (روباہ)، شیر، خرس، اسب (الاغ)، بزکوهی و
شتر را شامل می‌شوند.

اما جذاب‌ترین نقوش، شکل‌های مختلف جانوران خیالی
از جمله جانوران ترکیبی (گریفین، اسفکس، هارپی) و نیز
عقاب دو سر و هم‌چنین پرنندگان محافظ درخت زندگی است
که تعداد زیاد آنها «شاید بازتابی از مفاهیم توتمی و کیهان
شناختی باشد که در نمادگرایی سلطنت سلجوقیان روم
وجود داشته است» (اتینگهاوزن، ۱۳۸۳: ۵۳۷).

از دیگر نقوش تصویرشده می‌توان از نمادهای صورت
فلکی از جمله برج حوت به شکل دو ماهی در پی هم، نقش
خورشید و نیز نقوش گیاهی که شکل‌های مختلف شاخه‌انار،
گل‌لوتوس و بوته‌های اسلیمی را نشان می‌دهد اشاره کرد.
موارد مشابه با این نمونه‌ها در آثار ایران، سوریه نیز
یافت می‌شود. گویا دامنه این تشابه از آنچه به نظر می‌رسد
وسیع‌تر است، چرا که در شیوه نقش‌پردازی و رنگ‌گذاری،
شیوه اجرا و حتی شکل کاشی‌ها نیز تشابهاتی دیده می‌شود.

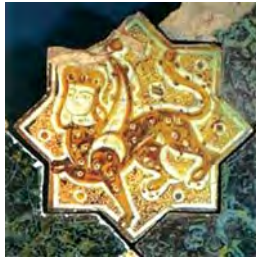
مصادیق تشابهات در ایران

پیش از هر چیز باید گفت آن دسته از آثار ایرانی که از لحاظ
نقش تشابهاتی با آثار قبادآباد دارند، علاوه بر سفالینه‌ها،
نمونه‌های فلزی و پارچه‌های مربوط به قرن ۷-۵ هجری
را نیز شامل می‌شوند و در این پژوهش به آنها نیز توجه
شده است. اما در آثار سفالی، فارغ از تشابهاتی که میان بدنه
(خمیر سنگی)، شیوه‌های تزیین (زیرلعابی و زرین‌فام) و
شکل آثار (کاشی ستاره و چلیپا) در ایران و قبادآباد به چشم
می‌خورد نقوش نیز از شباهت زیادی برخوردار هستند.

از میان انواع مختلف سفالینه‌های ایران، آثار مربوط
به بازه زمانی قرون ۸-۶ هجری، دارای بیشترین شباهت
نقش با کاشی‌های قبادآباد هستند، از جمله: ظروف شالوه
و حکاکی شده چند رنگ ری (لقابی) ۲ مربوط به نیمه اول

۱. ظروف «شالوه» یا «شاملوه» یا
«شامپلیو» (champeleve) که با
نام‌های «گبری» و «گروس» نیز
شناخته می‌شود. سطح این ظروف
ابتدا با یک گلایه سفید آستر شده
و نقوش پس از کنده کاری، با لعاب
سربی تکرنگ (اغلب سبز و قهوه‌ای)
پوشانده شده است (نک. پوپ،
۱۳۸۷، ج ۴: ۱۷۷۱ و گروه، ۱۳۸۴:
۱۰۴).

۲. ظروف «لقابی» (laqabi) یا
«لکابی» (lakabi) نوعی ظروف
حکاکی‌شده از خمیر سنگی است
که با لکه‌های رنگی آبی، سبز و
بادمجانی تزیین شده است (نک.
پوپ، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۷۶۳ و گروه،
۱۳۸۴: ۲۲۴).



تصویر ۶ ب. کاشی زرین فام کاخ قبادآباد ترکیه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه کاراتای قونیه، مأخذ: www.pbsa.com



تصویر ۶ الف. کاسه مینایی، ری یا کاشان، قرن ۷ هجری، محل نگهداری: مجموعه سی.ال. دیوید، مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷، جلد ۹: ۶۵۸



تصویر ۵ ب. کاشی زیرلعابی، کاخ قبادآباد ترکیه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه کاراتای قونیه، مأخذ: www.pbsa.com



تصویر ۵ الف. بشقاب مینایی، کاشان، اوایل قرن ۷ هجری، مأخذ: Watson, 2004: 370

نتایج بررسی تطبیقی نقوش قبادآباد، ایران و سوریه نشان می‌دهد که مبانی طراحی و شیوه رنگ‌گذاری نقوش قبادآباد، بیش از ایران، به آثار رقه شباهت دارد، اما موضوعات و تنوع نقوش بیشتر متأثر از ایران است. این در حالی است که شباهت زیادی نیز میان نقوش ایران و رقه مشاهده می‌شود.

آنچنان که از قرائن و شواهد پیداست، مبدأ این شباهت ایران است. موارد بسیاری از مشترکات سفالی ایران و سوریه وجود دارد که پیش از سوریه در ایران رایج بوده است. کریستینا تونگینی ۱۷ با بررسی آثاری متعلق به سوریه از مجموعه خلیلی نشان می‌دهد که ظروف لعابی، زیرلعابی با نقوش سیاه زیر لعاب شفاف و فیروزه ای، زیرلعابی با رنگ‌های سیاه، آبی و قهوه‌ای و ظروف زرین فام درشت نقش، همگی از سنت‌های مشابه در ایران پیروی می‌کنند. به اعتقاد وی، فرم برخی از ظروف رایج در رقه، مجسمه‌ها، ماکت‌ها، کاشی‌ها و حتی گل مورد استفاده در سوریه (خمیر سنگی) ریشه در سفال ایران دارد (گروبه، ۱۳۸۴: ۲۲۸-۲۲۴).

اما از مهم‌ترین مصداق‌های نفوذ سفال ایران در سوریه باید به نقوش اشاره کرد. «با وجود تفاوت فنی، ظروف



تصویر ۷ ب. کاشی زیر لعابی، کاخ قبادآباد ترکیه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه کاراتای قونیه، مأخذ: www.pbsa.com



تصویر ۷ الف. قطعه‌ای از بشقاب زیر لعابی، رقه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه هنرهای زیبای بوستون، مأخذ: www.zoom.mfa.org

این آثار علی‌رغم فقدان نمونه‌های مشابه در سفالینه‌های پیش از خود استمرار یک سنت دیرپا و ریشه‌دار در نقش‌پردازی است.

مصادیق تشابهات در سوریه

از میان سفالینه‌های سوریه، نقوش آثار مربوط به بازه زمانی اواخر قرن ۵ تا اواسط قرن ۷ هجری با نمونه‌های قبادآباد شباهت دارد که بخشی از آنها در کارگاه‌های سوریه و مصر دوره فاطمی (اواخر قرن ۵ و اوایل قرن ۶) و بخش عمده در کارگاه‌های دره فرات در شمال سوریه به مرکزیت رقه (اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷، مقارن با دوره ایوبی) ساخته شده‌اند. کیفیت گل مصرفی (خمیرسنگی) و تکنیک‌های به کاررفته (زیرلعابی و زرین فام) بسیار به هم نزدیک است، اما فرم کاشی در سوریه کمیاب است و به نظر می‌رسد تولید آن در رقه تا اندازه‌ای محدود بوده است.

بر اساس بررسی تطبیقی میان نقوش آثار، که نمونه‌های آن در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تنوع نقش‌مایه در هر دو منطقه شباهت زیادی به یکدیگر دارد. شیوه نقش‌پردازی و ترکیب‌بندی، از الگویی یکسان بهره‌مند است، به ویژه آنجا که پس‌زمینه با مقیاس بزرگی از طرح‌های گیاهی طوماری شکل - که با بی‌دقتی کشیده شده‌اند - (تصویر ۷ الف و ب) و تزیینات نقطه‌نقطه (تصویر ۸ الف و ب) پر شده است.

مبانی طراحی و رنگ‌گذاری نقوش در مقایسه با آثار ایران بسیار به قبادآباد نزدیک است. این شباهت به قدری است که در مواردی تشخیص آثار از یکدیگر دشوار می‌گردد. در اینجا نیز تشابه جزئیات به چشم می‌خورد؛ در مورد نقوش انسانی چشمان کشیده و ابروهای به هم پیوسته، تزیینات لباس، در نقوش حیوانی دم بلند و ضخیم شبیه دم گرگ (تصویر ۸ الف و ب) و در نقش پرندگان هاشور زدن قسمتی از بال‌ها (تصویر ۹ الف و ب). تشابهات از این نیز جزئی‌تر است، جایی که شکل لیوان‌ها در دست نقوش انسانی کاملاً یکسان است.

سمت و سوی انتقال سنت‌ها

جدول ۱. مقایسه تطبیقی نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد و نقوش آثار ایران و سوریه. مأخذ: نگارندگان.

انواع نقوش	توضیحات آثار سوریه	سوریه	قبادآباد	ایران	توضیحات آثار ایران
انسان	لیوان زیرلعابی، رقه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه فیتز ویلیام. مأخذ: www.Fitzmuseum.com				بشقاب مینایی، ری، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه متروپلیتن، منبع: www.metmus.com
	-	-			قطعه‌ای از یک بشقاب مینایی، کاشان، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه نوور، مأخذ: Eravsar، ۲۰۱۴:۳۰۶.
	-	-			فنجان مینایی، ری، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: مجموعه مک ایلنی، مأخذ: = پوپ، ۱۳۸۷، ج ۹: ۶۷۰
	-	-			خمرة زرین فام، کاشان، اواسط قرن ۷ هجری، محل نگهداری: مجموعه هیرش، مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ج ۴: ۷۰۰
	-	-			بشقاب زرین فام، کاشان، ۶۰۷ هجری، محل نگهداری: موزه متروپلیتن، مأخذ: www.metmuseum.org
نقوش جانوری	پارچه ابریشمی، سوریه، قرن ۶ هجری، محل نگهداری: مجموعه دیوید، مأخذ: Eravsar، ۲۰۱۴:۲۸۶.				پارچه ابریشمی، ایران، قرن ۵ هجری، محل نگهداری: موزه کلوند، مأخذ: www.clevelandart.org
	بشقاب زرین فام، سوریه یا مصر، اوایل قرن ۶ هجری، مأخذ: www.christies.com				بشقاب حکاکی شده چندرنگ، ری، قرن ۵ هجری، محل نگهداری: موزه برلین، مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ج ۹: ۶۰۶
	کاسه زیرلعابی، رقه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه متروپلیتن، مأخذ: www.metmuseum.org				کاسه زرین فام، کاشان، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه متروپلیتن، مأخذ: www.metmuseum.org
	-	-			کاشی زرین فام، ری، اواخر قرن ۶ هجری، محل نگهداری: موزه فیتز ویلیام، مأخذ: www.Fitzmuseum.com
	-	-			پارچ طلا، ایران یا عراق، قرن ۵ هجری، محل نگهداری: موزه کلوند، مأخذ: www.clevelandart.org
	بشقاب زیرلعابی، رقه، اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه فیتز ویلیام، مأخذ: www.Fitzmuseum.com			-	-
	خمرة زیرلعابی، رقه، اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه فیتز ویلیام، مأخذ: www.christies.com			-	-

<p>نقوش جانوری</p>					<p>بشقاب زیرلعابی، رقه، اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه فیتز ویلیام، مأخذ: www.vam.ac.uk</p>	
	<p>کاشی زرین فام، کاشان، نیمه دوم قرن ۷ هجری، مأخذ: www.wikimedia.org</p>					<p>کاسه زیرلعابی، رقه، اوایل قرن ۷ هجری، مأخذ: www.ashmolean.org</p>
	<p>کاسه مینایی، ری یا کاشان، اوایل قرن ۷ هجری، مأخذ: Watson، ۲۰۰۴: ۳۶۸</p>					<p>کاسه زرین فام، رقه، قرن ۶ هجری، موزه ویکتوریا و آلبرت، مأخذ: www.vam.ac.uk</p>
	<p>کاشی زرین فام، کاشان، ۶۶۵ هجری، محل نگهداری: موزه لوور، مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ج ۹: ۷۲۱</p>					
						<p>قطعه‌ای از کاسه زرین فام، رقه، نیمه دوم قرن ۶ هجری، محل نگهداری: مجموعه کی پر، مأخذ: Grube، ۱۹۷۶: ۱۲۰</p>
						<p>بشقاب زیرلعابی، رقه، اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه فیتز ویلیام، مأخذ: www.metmuseum.org</p>
	<p>کاشی زرین فام، کاشان، نیمه اول قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه برلین، مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ج ۹:</p>					
	<p>کاشی زرین فام، کاشان، نیمه دوم قرن ۷ هجری، مأخذ: www.metmuseum.cim</p>					
	<p>کاسه مینایی، ری، اوایل قرن ۷ هجری، مأخذ: www.wikimedia.org</p>					
<p>فنجان مینایی، اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: مجموعه خلیلی، مأخذ: گروه، ۱۳۸۴: ۱۵۰</p>					<p>بشقاب زرین فام، شمال سوریه، قرن ۶ هجری، مأخذ: www.invaluable.com</p>	

نقوش گیاهی	کاسه مینایی، ری، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه بریتیش، مأخذ: Eravsar, ۲۰۱۴: ۲۸۶			-	
	تنگک زرین‌فام، کاشان یا گرگان، نیمه اول قرن ۷ هجری، مأخذ: www.wikimedia.org			-	
	کاسه مینایی، ری، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه متروپلیتن، مأخذ: www.metmuseum.org			-	

و یا فتح ملوک شام (حرّان، رها و رقه) و دیار بکر توسط سلطان علاءالدین کیقباد که محمود بن محمد آقسرای ۱ در کتاب مسامره الاخبار به آن اشاره می‌کند (آقسرای، ۱۳۶۲: ۳۳).

این ارتباط در زمینه آثار هنری نیز دیده می‌شود. کاسه‌های زرین‌فام و زیرلعابی‌های فیروزه‌ای‌رنگ که در آناتولی کشف شده‌اند کاملاً به سبک ظروف رقه است و این حاکی از آن است که آثار یادشده از سوریه به آناتولی صادر شده‌اند. علاوه بر این، «شباهت بسیار نزدیک آثار قبادآباد به رقه از لحاظ رنگ‌گذاری و مبانی طراحی این احتمال را که سفالگران سوری در تولیدشان نقش داشته‌اند تقویت می‌کند» (Porter, 1995: 58).

شاید از همه مهم‌تر نمونه‌های پراکنده از کاشی‌های زیرلعابی و زرین‌فام باشد که از محل یک کاخ سوری به نام قصرالبنات (مربوط به اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ هجری) کشف شده که «با شیوه‌های شمایل‌نگاری به‌کاررفته در کاخ بیشهیر شباهت دارد و قطعه‌هایی از کاشان را به یاد می‌آورد» (DeGeorge and Porter, 2002: 183). این‌گونه است که می‌توان پذیرفت سوریه علاوه بر تأثیرپذیری از ایران موجبات انتقال سنت‌های هنری ایران به آناتولی را نیز فراهم کرده است.

نکته دیگر پیشینه تاریخی نقوش رایج در سرزمین‌های سلجوقی حوزه آسیای غربی (ایران، جزیره، شام و آناتولی) است. اغلب نقوشی که در آثار مربوط به قرون ۶ و ۷ هجری سوریه و آناتولی دیده می‌شود از حدود دو قرن پیش از آن در ایران رایج بوده و به طور مکرر بر شکل‌های مختلف هنری ظاهر می‌شده است. از مهم‌ترین آنها می‌توان به عقاب

زیرلعابی چندرنگ رقه با تنوعی از پیکره‌های کوچک و چندرنگ، شباهت‌های شمایل‌نگاری زیادی به ظروف مینایی ایران دارند. نوع صورت، چشم و لب‌ها شکی به جا نمی‌گذارد که سنت‌های تصویری یکسانی پشت آثار هر دو منطقه وجود دارد» (Grube, 1976: 272). نقوش انسانی ایران و سوریه در جدول ۱ با هم مقایسه شود. دامنه این تشابهات بسیار وسیع است و این نمایانگر آن است که سفالگران رقه، تحت تأثیر موج گسترده‌ای از تولیدات سفالی که از ایران به دیگر نقاط ساطع می‌شده قرار گرفته است.

علاوه بر ایران، مصر نیز در پاره‌ای اوقات بر آثار سفالی سوریه تأثیر گذار بوده است، از جمله «در مورد آثار زرین‌فام دوره فاطمیان که برخی از موتیف‌های رایج در مصر با مبانی خاص مصری به سوریه نفوذ می‌کند» (Allan, 1995: 38). مثلاً نقش شکار خرگوش به‌وسیله عقاب که در آثار رقه هم دیده می‌شود و از قرن چهارم هجری در مصر رواج داشته است (تصویر ۱۰).

علی‌رغم همه این تشابهات، سفالگران رقه ویژگی‌های سبکی خاص خود را داشتند که هم تأثیرات ایران و هم تأثیرات مصر را با مبانی خود همسو ساخته و سپس آنرا به آناتولی منتقل کرده است. در اینجا باید به اهمیت سوریه به‌عنوان واسط هنری ایران و آناتولی اشاره کرد. سوریه در دوره ایوبیان (۶۵۸-۵۸۲ ق) همواره ارتباط تنگاتنگ سیاسی و اقتصادی با آناتولی و سلاجقه روم داشته است، چه در صلح و چه در جنگ. از نمونه‌های آن می‌توان به اتحاد قلیچ ارسلان دوم با امیر حلب، ملک العادل اشاره کرد که در پی آن، ارتباط شاخه‌های شمالی ایوبیان در دیاربکر و جزیره با سلاجقه روم بیشتر شد (مشکور، ۱۳۵۰: هشتاد و هشت)

۱. خواجه کریم الدین محمود بن محمد، مورخ، منشی و دولتمرد عهد سلجوقیان روم در سده ۷ و ۸ هجری، صاحب مسامره الاخبار و مسایره الاخبار (آقسرای، ۱۳۶۲: ۳).



تصویر ۹ الف. قطعه‌ای از بشقاب زیر لعابی، رقه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه هنرهای زیبای بوستون، مأخذ: www.zoom.mfa.org



تصویر ۸ الف. کاسه زیرلعابی، رقه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: مجموعه دیوید، مأخذ: www.davidmus.dk



تصویر ۹ ب. کاشی زیر لعابی، کاخ قبادآباد ترکیه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه کاراتای قونیه، مأخذ: همان



تصویر ۸ ب. کاشی زیرلعابی، کاخ قبادآباد ترکیه، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: موزه کاراتای قونیه، مأخذ: www.pbsa.com

علاوه بر سفالینه‌ها، آثار فلزی، حجاری و پارچه‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. با این حال باید گفت هنر سلجوقیان روم از بعضی لحاظ با هنر سایر سلجوقیان بزرگ و دولت‌های بازمانده آنها در جزیره و شام تفاوت دارد و تحت نفوذ اوضاع تاریخی و شرایط بومی و محلی تغییراتی در آن حاصل گردیده و مبانی ویژه خویش را یافته است.

دلایل تشابهات

تجارت

در دوره سلجوقی تجارت اعتبار و اهمیت افزونی یافت و تولیدات کارگاهی ترقی چشمگیری کرد. «ری و کاشان از مراکز مهم تولید صنعتی بودند که در مسائل اقتصادی آن دوران سهم بسزایی داشتند. علاوه بر انواع پارچه ابریشمی،

با بال‌های باز و سر نیم رخ، حمله عقاب به پرنده، پرنندگان محافظ درخت زندگی و شیر در حال حمله اشاره کرد (تصویر ۱۱). نباید از یاد برد که برخی از این نقوش، سبقه‌ای بس کهن‌تر و ریشه در آثار فلزی و پارچه‌های اواخر دوره ساسانی دارند.

بر این اساس، باید ایران را خاستگاه بخش عمده‌ای از تأثیرات وارد بر سوریه و آناتولی قرون ۶ و ۷ هجری دانست. با توجه به گستردگی آثار و تنوع موضوعات در ایران و نیز مسیر گسترش تمدن سلجوقی از شرق به غرب می‌توان مدعی شد که فرهنگ سلجوقی ایران بر فرهنگ سلاجقه دست‌نشانده آنها در سوریه و آناتولی اثرگذار بوده است.

گستره نفوذ فرهنگ و هنر سلجوقی در این مناطق،



تصویر ۱۱. بشقاب حکاکی شده چندرنگ (لقابی)، احتمالاً ری، قرن ۵ هجری، محل نگهداری: موزه متروپلیتن، مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ج ۶۰۵: ۹.



تصویر ۱۰. قطعه‌ای از یک کاسه با تزیینات رولعابی، مصر، قرن ۴-۵ هجری، محل نگهداری: مجموعه کی‌یر. مأخذ: Grube, 1976: 120

به‌طور گسترده‌ای با ایران نیز برقرار بوده و از آنجا آثاری به آناتولی صادر شده است.

جنگ‌ها و مهاجرت

مهاجرت از دیگر عواملی است که باعث انتقال سنت‌ها از ایران به آناتولی و تأثیر بر فرهنگ این منطقه بوده است. این جابه‌جایی انسانی در بازه زمانی قرون ۸-۶ هجری، در نتیجه عوامل مختلفی همچون جنگ‌های خانمان‌برانداز در ایران و شرایط مطلوب زندگی در آناتولی صورت پذیرفته است.

شاید بتوان گفت سلسله حملات مغولان در نیمه اول قرن هفتم هجری یکی از بزرگ‌ترین مهاجرت‌های تاریخ ایران را رقم زده است. اما پیش از این و مقارن با اواخر قرن ۶ و اوایل قرن هجری نیز جابجایی‌هایی دیده می‌شود که باعث آن جنگ‌های داخلی بوده است. از جمله در ری، یکی از مراکز مهم سفالگری، که «شهر پیش از آنکه به وسیله مغولان در ۶۱۷ مورد حمله قرار گیرد توسط خود ساکنان ویران شده بود. خشونت‌های فرقه‌ای در ۵۸۲ هجری باعث شد بیشتر ساکنان شهر بگریزند و به تدریج مناطق شهر متروکه گشت. نویسندگان آن دوره یا قوت و ابن اثیر چنین شرح می‌دهند که قسمت‌های زیادی از شهر قبل از ورود مغولان ویران و خالی از سکنه بود» (واتسون، ۱۳۸۲: ۴۰).

البته جنگ‌ها تنها عامل مهاجرت نبوده است. از نیمه دوم قرن ششم هجری (مقارن با حکومت قلیچ ارسلان دوم)، به سبب وجود ثبات در داخل قلمرو سلجوقی، فعالیت‌های علمی و اجتماعی شروع به اوج‌گیری می‌کند و در پی آن «رقابت‌های چشمگیری در زمینه ایجاد مؤسسات فرهنگی و اجتماعی و جریانات علمی دیده می‌شود، به طوری که به سبب این حرکت فکری، دانشمندان و هنرمندان بسیاری از ایران، عراق و سوریه مقیم آناتولی شدند. از این گروه می‌توان از

کاشی و ظروف سفالین از مهم‌ترین تولیدات این شهرها بود که آنها را از طریق راه‌های تجاری عمده که مرکز ایران را به آناتولی و شام متصل می‌نمود، صادر می‌کردند» (بویل، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

به عقیده پوپ از دوره سلجوقی سفال‌سازی یکی از صنایع ملی بود و علاوه بر ری و کاشان، ساوه و سلطان‌آباد در بیشتر از پنجاه شهر رواج داشت و از این طریق تجارت مهمی ایجاد کرده بود و ظروف ایران به هند، ترکیه، عراق و سوریه صادر می‌شد (پوپ، ۱۳۸۹: ۱۰۳). از این میان کاشان مقامی شاخص داشت و می‌توان گفت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز تولید کاشی و سفالینه بود که تولیدات آن به سایر نقاط صادر می‌گردید. یا قوت در معجم البلدان از ظروف کاشان تمجید می‌کند که بنا به گفته او به دور و نزدیک صادر می‌شده است (حموی، ۱۹۷۹: ۱۵). صحت این مطلب از آنجا مشخص می‌شود که «پوشش‌های کاشی زرین‌فام همه با سبکی یکسان امروزه در سراسر ایران از مشهد تا کردستان و خارج از ایران در غرب حداقل تا نجف و آن سوی باکو در شمال یافت می‌شوند» (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۸۰۴).

سفالینه‌های ری حتی اگر نمی‌توانستند با زیباترین سفالینه‌های کاشان رقابت کنند کم و بیش بازار گسترده خود را داشتند. «آن‌ها در آنی، حما و رقه (واقع در سوریه)، در سواحل جنوبی ایران و محوطه‌های گوناگونی در غرب ترکستان یافت شده‌اند» (همان: ۱۰۸۲).

در آن سو در آناتولی نیز از اوایل قرن ۷ هجری اوضاع اقتصادی رو به بهبود گذاشت، به ویژه در دوره علاءالدین کیقباد اول که «در نتیجه تصرف بنادر سینوپ و آنتالیا تجارت رونق گرفت و روابط اقتصادی با دیگر نقاط پیشرفت قابل توجهی پیدا کرد و قونیه به یکی از پایتخت‌های اقتصادی بدل شد» (Freely, 2008: 70). به احتمال قوی، این رابطه



تصویر ۱۳. کاشی مینایی با نقش بهرام گور و آزاده، قونیه، عمارت قلیچ ارسلان دوم، اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری: مجموعه قویون اغلو، مأخذ: www.kubadabad.blogspot.com



تصویر ۱۲. کاسه زرین فام، آناتولی، اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ هجری، محل نگهداری موزه کاراتای مدرسه قونیه، مأخذ: Cizer, 2010: 57

دوردست‌های مرز شرقی و پیشروی به سوی غرب، آنها که توانستند از دم تیغ مغول بگریزند همراه با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و یا در رکاب مغول به مناطق غربی منتقل شدند و میراث دوران قدرت و شکوه فرهنگ و هنر را با خود به این منطقه آوردند» (مشکور، ۱۳۵۰: ۵). سلاطین و شاهزادگان سلجوقی نیز که توجه خاصی به علم و ادب و هنر داشتند با حسن پذیرش از آنها استقبال کردند. «از جمله سلطان علاء‌الدین کیقباد که عارفان و بزرگانی همچون بهاء‌الدین ولد، فخرالدین عراقی و نجم‌الدین ابوبکر رازی از حمایت او برخوردار بودند» (اوزون چارشی لی، ۱۳۶۸: ۱۱).

علاوه بر این، تشکیلات اداری سلجوقیان روم در سراسر دوران حکمرانی، توسط ایرانیان اداره می‌شد و حتی «پس از استیلای مغولان بر آنجا تعداد کارگزاران و عمال دولتی ایران در تشکیلات حکومتی افزایش یافت. حضور افرادی همچون معین‌الدین پروانه (معروف به معین‌الدین کاشی) و شمس‌الدین محمد اصفهانی در منصب نیابت سلطنت و وزارت در دولت سلجوقی روم، بهترین شاهد این مدعا است» (ربانی، ۱۳۹۱: ۴۲).

همچنین معماران (و احتمالاً کاشی‌کاران) برخی از بناهای آناتولی این دوره به‌شهادت کتیبه‌هایشان ایرانی بوده‌اند، به‌عنوان مثال «محمد بن عثمان البنا طوسی معمار مدرسه سیرکالی در قونیه و احمد بن بکر مردندی معمار بیمارستان صفائیه در سیواس» (Rice, 1961: 208).

با این تفاسیر و با توجه به حضور گسترده دانشمندان، نویسندگان و هنرمندان ایرانی در آناتولی، در دوران پس از حمله مغول به ایران می‌توان انتظار داشت که استادان سفالگر نیز که به‌گفته پوپ از نیمه دوم قرن هفتم به تبریز مهاجرت کرده و در آنجا کارگاه‌هایی برپا کرده بودند (پوپ، ۱۳۸۷، جلد ۴: ۱۸۶۷)، به آناتولی نیز نفوذ کرده و سفال آن منطقه را تحت تأثیر شیوه‌های خود قرار داده باشند.

نجم‌الدین ابوبکر محمد رواندی (از اهالی کاشان) و شهاب‌الدین سهروردی نام برد» (اوزون چارشی لی، ۱۳۶۸: ۲۷).

در همین دوران رد پای سفالگران مهاجر ایرانی در نقاط مختلف دیده می‌شود. سفالگران کاشانی در چند دهه قبل از هجوم مغولان به مراکز دیگر مهاجرت کرده و در آنجا به تولید ظروف منقوش زیرلعابی و زرین‌فام پرداخته‌اند از جمله در ساوه، گرگان و سلطان‌آباد. پوپ در مورد دلیل حضور سفالگران کاشان در این گونه شهرها معتقد است که آنها اغلب با هدف ایجاد کارگاه‌های سفال در مناطق در حال توسعه به آن مکان‌ها مهاجرت می‌کردند و کارگاه می‌ساختند. این استادان از سبک بومی پیروی می‌کردند و گاهی در آن سبک تصرفاتی روا می‌داشتند (پوپ، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

محتمل است که سفالگران کاشانی با این هدف به آناتولی نیز مهاجرت کرده باشند. «در اخلاط و سمسات (نزدیک دریایچه وان) ظروفی زرین‌فام مربوط به اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ هجری یافت شده است که با شیوه‌های خاص ایرانی اجرا شده‌اند. کشف کوره‌های زرین‌فام در آنجا حاکی از آن است که این آثار در همان محل و با دخالت سفالگران ایرانی ساخته شده‌اند» (Ozel, 1986: 81؛ تصویر ۱۲).

در عمارت قلیچ ارسلان دوم در قونیه هم کاشی‌های ستاره و چلیپایی به دست آمده است که به‌شیوه مینایی و با طرح‌های اسلیمی و فیگوراتیو تزیین شده‌اند. پورتر معتقد است این کاشی‌ها هم از نظر شیوه ساخت و هم تزیین به ظروف مینایی هم‌زمان خود در کارگاه‌های کاشان شباهت دارند.^۱ (Porter, 1995: 58) و باید گفت اینها نیز به احتمال زیاد با کمک سفالگران ایرانی ساخته شده‌اند. از این میان حتی برخی از آثار دارای موضوعات ایرانی مانند داستان معروف بهرام و آزاده هستند (تصویر ۱۳).

اما همان‌گونه که پیش از این گفتیم عمده‌ترین مهاجرت‌ها پس از تهاجم مغول روی داد. «با حمله چنگیز خان از

۱. پژوهشگرانی نظیر تامارا تالیوت رایس و تاشین اوز معتقدند نقوش این کاشی‌ها متأثر از فرسکوهای ایغوری در آسیای مرکزی است و در کمال تعجب هیچ اشاره‌ای به تأثیر ایران نمی‌کنند (نک. Rice, 1961: 5; Oz, 1980: 5).

نتیجه

نتایج بررسی کاشی‌های کاخ قبادآباد حاکی از آن است که میان این نمونه‌ها و آثار ایران و سوریه تشابهاتی هم از لحاظ فن و هم شکل و نقش وجود دارد. دامنه این تشابهات در نقوش وسیع‌تر است. ساختار نقوش و شیوه نقش‌پردازی تا حد زیادی شبیه به آثار ایران و سوریه است. از طرفی، مقایسه سفال سوریه و ایران نشان می‌دهد که شباهت‌های نزدیکی بین این دو وجود دارد که با توجه به گستردگی تولید سفال در ایران دوره سلجوقی و نیز مسیر گسترش تمدن سلجوقی از شرق به غرب، می‌توان ایران را منشأ بسیاری از تأثیرات وارد بر نقوش سفالینه‌های سوریه و آناتولی قرون ۶ و ۷ هجری دانست، به‌ویژه که شیوه نقش‌پردازی رایج در سرزمین‌های تحت نفوذ فرهنگ سلجوقی، در ایران قدمتی بیش از سوریه و آناتولی دارد و می‌توان ریشه‌های آن را در دوران ساسانی بازیابی کرد. مصر نیز سهم ناچیزی از این اثر گذاری را به خود اختصاص می‌دهد. در این میان، سوریه نقش بسیار مهمی در تبادلات فرهنگی بین ایران، مصر و آناتولی ایفا کرده است. باید گفت بسیاری از تأثیرات هنری ایران و مصر، از طریق سوریه به آناتولی وارد شده است. پاره‌ای دیگر از تأثیرات نیز به صورت مستقیم و بدون واسطه سوریه راه به آناتولی گشوده است. شرایط جغرافیایی خاص آناتولی باعث شده که این منطقه همواره در مسیر تهاجم، مهاجرت و تجارت قرار گیرد و قبادآباد به واسطه نزدیکی به قونیه، پایتخت سلاجقه روم، اثرات این پدیده را به خوبی لمس کرده است. مصداق آن حضور و دخالت هنرمندان ایرانی در تولید آثار مختلف هنری در آناتولی است. به این ترتیب باید گفت بخش عمده‌ای از تأثیرات وارد بر نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد متأثر از ایران است و در یک نگاه کلی‌تر می‌توان ایران را خاستگاه تشابهات موجود در سفال سلجوقی آسیای غربی دانست. البته این تأثیرگذاری علاوه بر آثار سفالی، دیگر شکل‌های هنری را نیز تحت تأثیر قرار داده است. همچنین بناهای معماری، آثار ادبی و حتی شیوه کشوررداری چنان‌که می‌توان از آن به‌عنوان موج فراگیری یاد کرد که ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آناتولی را در بر گرفته و به آنها رنگ و بوی ایرانی بخشیده است.

منابع و مآخذ

- آقسرای، محمود بن محمد. ۱۳۶۲. *مسامره الاخبار و مسایره الاخبار*. به تصحیح عثمان توران. تهران: اساطیر.
ابن بی‌بی. ۱۳۹۰. *الوامر العلائیه فی الامور العلائیه*. به تصحیح ژاله متحدین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
اتینگه‌اوزن، ریچارد و گرابار، الگ. ۱۳۸۳. *هنر و معماری اسلامی ۱*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: سمت.
اوزون چارشی لی، اسماعیل حقی. ۱۳۶۸. *تاریخ عثمانی*، ج ۱. ترجمه ایرج نوبخت. تهران: کیهان.
بویل، جی. آ. ۱۳۹۰. *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۵. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
پوپ، آرتور اپهام. ۱۳۸۹. *شاهکارهای هنر ایران*. ترجمه پرویز ناتل خانلری: علمی و فرهنگی.
پوپ، آرتور و اکرم، فیلیس. ۱۳۸۷. *سیری در هنر ایران*، ج ۴ و ۹. ویرایش سیروس پرهام. تهران: علمی و فرهنگی.
حموی، یاقوت. ۱۹۷۹. *معجم البلدان*، الجلد الرابع. بیروت: دار صادر.
دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. *لغت نامه دهخدا*، ج ۱۵. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
ربانی، زهرا. ۱۳۹۰. *فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
گروبه، ارنست. جی. ۱۳۸۴. *سفال اسلامی*. ترجمه فرناز حائری. تهران: کارنگ.
مشکور، محمد جواد. ۱۳۵۰. *اخبار سلاجقه روم*. تهران: انتشارات کتابفروشی تهران.
واتسون، الیور. ۱۳۸۲. *سفال زرین‌فام ایرانی*. ترجمه شکوه ذاکری. تهران: سروش.



- Allan, James. 1995. *Islamic art in the ashmolean museum*. London: Oxford university press.
- Cizer, Sevim. 2010. *Luster*. Izmir: Dokuz eylul universitesi matbaasi.
- Degeorge, Gerard and Porter, Yves. 2002. *The art of the Islamic tile*. Paris: Flammarion.
- Eravsar, Osman et al. 2014. *Heritage of the great seljuks museums*. Volume I,II. Istanbul: *Konya selcuklu belediyesi*, Konya aydinlarocagi.
- Freely, Jone. 2008. *Stormonhorseback, the Seljuk warrior of turkey*. London: I. B. Tauris.
- Grube, J. Ernest. 1976. *Islamic pottery of the eighth to the fifteenth century in the Keir collection*. London: Faber and faber limited
- Oz, Tashin. 1980. *Turkish ceramics*. Istanbul: Turkish press.
- Ozel, Mehmet. 1986. *Turkish art*. Ankara: The republic of turkey, ministry of culture.
- Porter, Venetia. 1995. *Islamic tiles*. London: British museum press.
- Rice, Tammara Talbot. 1961. *The seljuks in asia minor*. London: Thames & Hudson.
- Unsal, Behcet. 1970. *Turkish Islamic architecture*. London: Alec tiranti.
- Watson, Oliver. 2004. *Ceramics from Islamic lands*. London: Thames & Hudson. London: Faber and Faber limited.



The Origin of the Motifs on Kubad Abad Palace's Tiles in Turkey with a Comparative Approach to Iranian and Syrian Works

Abolfazl Arabbeigi, Instructor, Faculty of Architecture and Arts, University Of Kashan, Kashan, Iran.

Abbas Akbari, Assistant Professor, Faculty of Architecture and Arts, University Of Kashan, Kashan, Iran.

Recieved: 2015/1/10 Accepted: 2016/5/4



One of the most important specifications of Islamic art is the technical and visual similarities between the potteries of different parts of the Islamic world, especially pottery of the Seljuk kind. This matter has been observed mostly in geographical areas of Iran, Syria, and Turkey. One of the cases that has been considered in Islamic art studies is the determination of sources of these similarities. The present investigation, with regard to this matter and with the purpose of analyzing the directions of transfer of traditions in pottery of the 6th and 7th century Hegira is going to examine the sources of designs on tiles of Kubad Abad Palace in Turkey as one of the examples of these similarities. This essay uses library research and descriptive-analytic method for data gathering. The research findings show that, Iran is the origin of many impacts and influences on designs of tiles at Kubad Abad Palace. Also, Egypt has a small share of its own. Part of these impacts have been imported into Anatolia indirectly through Syria and another part directly by commerce, immigration and wars. Of course, the domain of these similarities is beyond pottery, and it has influenced other artistic works as well. Also, architecture, literature and method of governorship have been influenced by it, which accordingly, lead us to the deduction that Iran, beyond the artistic impacts, is a wide source of cultural, political and economic similarities in Anatolia, contemporaneous to the Seljuks of Rum.

Keywords: Designs, Tile, Kubad Abad Palace, Seljuk, Anatolia.